

یکی از ایرانیان با واسطه هم‌رزمی پرسشی به مضمون زیر از استاد امیرفیض داشتند که پاسخ مقتضی و حقوقی در زیر آمده است.

از آنجا که بسیاری مشابه این پرسش را دارند و بدون توجه به موضع قانونی، قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن، اظهارات و برداشت های نادرست دارند مضمون پرسش و پاسخ برای همگان منتشر می شود.

ح-ک

پرسش به مضمون: «اعلیحضرت رضاپهلوی اغلب خود را شهروند معرفی می کنند وبتازگی هم بدون توجه به نص قانون (منشور به اصطلاح شورای ملی!) را امضا کرده اند.»

«با این ترتیب "رضا پهلوی" برخلاف نص قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن، که خونبهای ملت است، و برخلاف آخرین اراده شاهنشاه، که سرنوشت ایران را به قانون اساسی سپرده و نجات ایران را به فرزندشان سفارش کرده اند، به این میماند که ایشان استعفا کرده باشند واز نگرهبانی و تداوم پادشاهی عدول کرده باشند»

- چگونه می توان قانون اساسی را پایدار ساخت؟

پاسخ استاد امیرفیض به شرح زیر است

پاسخ سوالات حضرتعالی مستتر دراین است که چگونه میتوان بنا بر مراتب اظهارات و ترتیبات متخذه از ناحیه اعلیحضرت، جایگاه پادشاهی را به ایشان اختصاص داد و قانون اساسی مشروطیت را پایدار ساخت.

پاسخ پرسش را باید در یکی از بیانات اعلیحضرت در سالهای جاری یافت که ایشان در مصاحبه ای فرمودند:

«من به میل خودم ولیعهد ایران نشده ام یک جریان تاریخی ومیراث ملی مرا به تصدی ولیعهدی ایران مقرر داشت»

مفهوم بیان اعلیحضرت متوجه این حقیقت است که تداوم مشروعیت سلطنت به اراده پادشاه متصور نیست. مشروعیت یک جریانی است که پادشاه جزئی از آن است، و جزء نمیتواند کل را منقرض سازد.

مسیر حقوقی و تداوم سلطنت و مشروعیت آن جاری است و شخص اعلیحضرت رضا پهلوی هم متصدی آن میباشد، منتها تصدی که با انجام وظیفه و وفای به تکلیف توأم نیست.

یک مثال دم دست بجاست؛ اگر بدهکاری از ایفای تعهد بدهی خود استنکاف کند آیا این استنکاف بدهکار، سبب رهانی او از بدهی و تکلیفی که قانون و شرع بر او محول کرده میگردد و آن بدهکار دیگر بدهکار شناخته نمیشود؟

در مورد خودداری متصدی سلطنت از ایفای وظائفی که دارد این اصل حقوقی باید کاملاً مطرح باشد که خودداری از ایفای وظائف، و تعهد اگرتوام با جبر و فرث و عواملی باشد که دفع آن از حیثه اقتدار متعهد خارج باشد، در موقعیت قانونی و حقوقی متعهد ایجاد تاثیر نمیکند.

شورش ۵۷ و فراندم پی آمد آن اعمال و گفتارهایی را در پی داشت که **بظاهر** سلب مشروعیت از رژیم سلطنتی ایران بود. در این صورت چرا شما و سلطنت طلبان همچنان معتقد به تداوم مشروعیت و حقانیت قانون اساسی مشروطت و سلطنت هستید؟

زیرا مشروعیت و جریان آن که قرن‌ها و نسل‌ها همراه نصوص و خون‌های ریخته شده بنا گردیده چیزی نیست که یک فرد و یا گروهی بتواند آنرا از جایگاه حقیقی و قانونی خود ساقط و به دیگری منتقل کند.

یادم می‌آید که در سال‌های قبل کسانی از جمله شادروان آقای شجاع‌الدین شفا مسئله استعفای شاه را مطرح کرد و کسانی هم نوشتند که خودداری ایشان از وظائف سلطنت بمنزله استعفاست، در یکی از سنگرها به آن پاسخ گفته شده است. نخواهید که بتوانم آن شماره را پیدا کنم.

امیر فیض